

بخش دوم

پیوندیهودیان

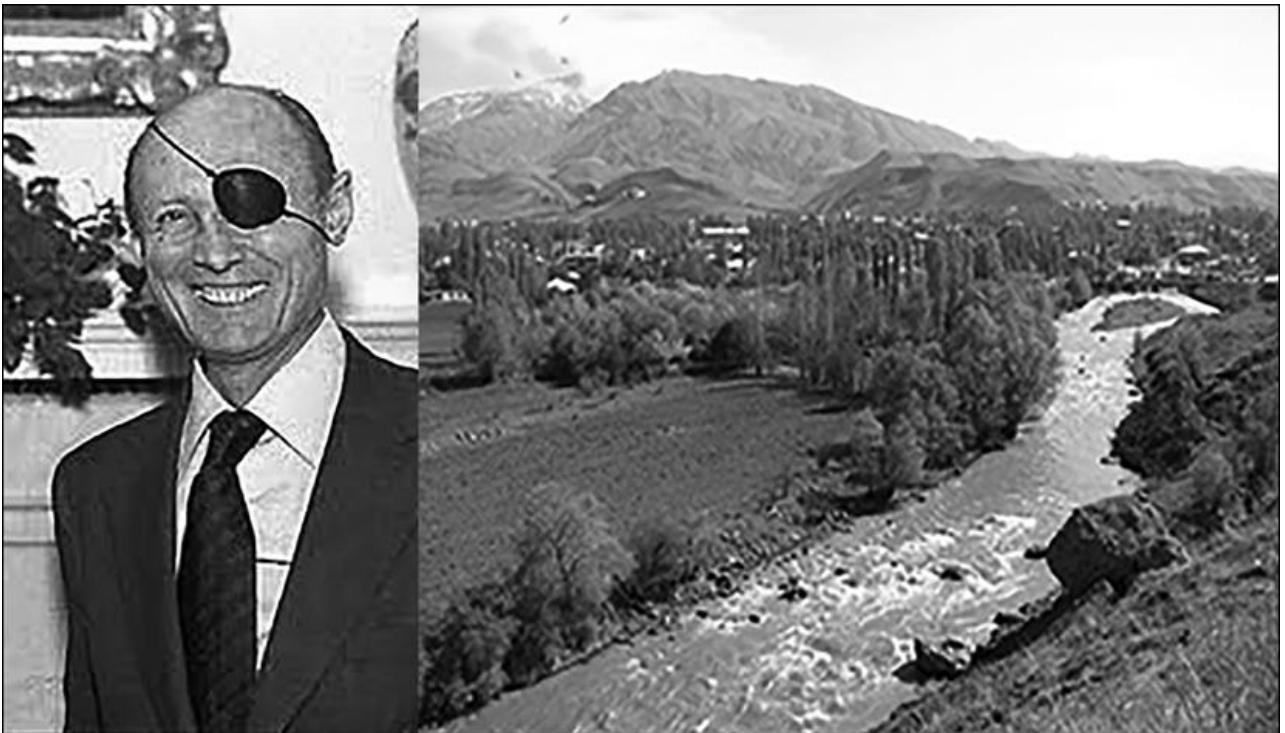
با فرهنگ ایران زمین



پروفسور امنون نتصر در این
بخش از گفت و گوها به
بیان پیشینه تاریخی یهودیان
ایران و سهم فرهنگی آنان
در این سرزمین می پردازد

گفت‌وگویی سوم

دوران درختان، همکاری کشاورزی، پزشکی و علمی بین ایران و اسرائیل



اسرائیلیان دشت قزوین را آباد کردند و موشه دیان وزیر کشاورزی دوبار به ایران رفت

پرسش - در یکی از گفت‌وگوهای پیشین تعریف کردید که پس از آغاز "انقلاب سفید" در سال‌های دهه شصت در ایران، شماری از جوانان و تحصیل‌کردگان ایرانی به اسرائیل فرستاده شدند تا دولت ایران بتواند برای اجرای برنامه‌های سازندگی و پیشرفت مردم از تجربیات اسرائیل بهره‌مند گردد و اسرائیل این کارآموزان را با آغوش باز پذیرفت. این همکاری اهمیت بسیار داشت، زیرا اسرائیل که همه چیز را از صفر شروع کرد، توانست به شیوه‌های ابتکاری به یک آبادانی و رفاه سریع برسد و تجربیات ذی‌قیمتی که به دست آورد، می‌توانست برای ایران نیز که مصمم شده بود در راه آبادانی و نوسازی گام بردارد بسیار سودمند باشد. مایلیم در این باره بیشتر بشنویم.

پاسخ - بله، شمار قابل توجهی از کارآموزان ایرانی برای گذراندن دوره‌های تخصصی به هدف اجرای یک رشته پروژه‌های آبادانی و اجتماعی و فرهنگی در ایران نوین به اسرائیل فرستاده شدند. بیشترین موضوع مورد توجه دولت ایران در آن زمان برپائی نهادهای تعاونی و

کشاورزی بود که از طریق آن ها بتوان رشته کشاورزی در ایران را که درصد بسیار بزرگی از جمعیت کشور را در بر می گرفت مدرن و متحول ساخت.

شماری از کارآموزان ایرانی به کیبوتص (Kibbutz קיבוץ - آبادای اشتراکی) فرستاده شدند و برخی رهسپار موشاو (Moshav מושב - آبادای تعاونی) گردیدند. هدف آن بود که آنان فراگیرند چگونه می توان یک واحد کشاورزی و یا یک روستای مدرن را برپا کرد و با شیوه های پیشرفته آبیاری و کشاورزی بتوان به پرورش محصول پرداخت. اسرائیل در این رشته ها و همچنین در امور دامداری و مرغداری به پیشرفت های خیره کننده ای رسیده بود و گفته می شد که از این نظر در ردیف اول کشورهای جهان قرار دارد.

یکی دیگر از رشته های همکاری، پروژه بازسازی دشت قزوین پس از وقوع یک زلزله ویرانگر بود. اجرای این پروژه به کارشناسان و متخصصان اسرائیلی سپرده شد و خانه هایی که آنان در دشت قزوین بنا کردند و مطابق با همه فنون ضد زلزله بود، در همه زلزله های بعدی در آن منطقه نیز مقاومت کرد و همچنان پابرجا ماند. البته در این زمینه من تخصصی ندارم و دیگران می توانند درباره این رشته از همکاری های ایران و اسرائیل بیشتر صحبت کنند. این ها واقعیت هایی است که مردم ایران باید بدانند.

می خواهم دوباره تاکید کنم که ملت یهود هیچگاه در تاریخ خود، و در تمام دوران ۲۷۰۰ ساله روابط طرفین، با ملت و حکومت ایران کوچکترین ستیزی یا درگیری نداشته است. هیچ علتی نیز وجود ندارد که چنین برخوردی به وجود آید. این واقعیتی است که نه تنها یهودیان سراسر جهان باید آن را همیشه و به خوبی مد نظر داشته باشند، بلکه آحاد ملت ایران نیز باید آن را بدانند.

در کنار آنانی که از ایران برای گذراندن دوره های کارآموزی در رشته های تعاونی، کشاورزی، آبیاری، دامداری و غیره به اسرائیل می آمدند، پزشکان جوان ایرانی نیز بودند که برای گذراندن دوره تخصص در رشته های پزشکی، از بیماری های قلب و ریه تا چشم پزشکی و رشته های دیگر به اسرائیل می آمدند و در بیمارستان ها و دانشگاه ها و نهادهای علمی و پژوهشی این کشور به تکمیل معلومات می پرداختند.

علاوه بر این شماری از استادان و دانشمندان برجسته اسرائیلی رهسپار ایران می شدند تا در دانشگاه ها و موسسات علمی و پژوهشی آن کشور دانش خود را در اختیار همکاران ایرانی خویش قرار دهند. در دانشگاه شیراز شماری از استادان و دانشمندان اسرائیلی در رشته پزشکی، آناتومی، فیزیولوژی. و دندانسازی تدریس می کردند. این، هم نوعی ارتباط انسانی بود و هم نوعی یاری رسانی به هدف پیشبرد علمی و رفاهی مردم ایران محسوب می شد.

باعث تاسف و شوربختی است که این نوع همکاری ها و همیاری های علمی و فرهنگی و پزشکی بین دو کشور قطع شد و ادامه پیدا نکرد که ریشه آن علل سیاسی بود. در ایران رژیم به روی کار آمد که تهدید به نابودی اسرائیل را جایگزین دوستی و همکاری و همیاری بین دو کشور و دو ملت ساخت. ولی این امیدواری هست که چنین همکاری های مسالمت آمیز که

به سود هر دو ملت است، با برطرف شدن ابرهای تیره از آسمان روابط دو کشور دوباره برقرار گردد - و من در این زمینه امید بسیار دارم.

پرسش - به موضوع دیگری تقاضا داریم پردازید و آن نقش یهودیان ایران در موسیقی و صنایع و بازسازی ایران نوین است.

پاسخ - ابتدا باید بگویم که این مهر بر پیشانی یهودیان دنیا زده شده که آن ها را به عنوان مقتصد می شناسند. به زبانی دیگر، هنگامی که نام یهودی می آید، این تداعی برای آنان ایجاد می شود که یهودی یعنی بازرگان و تاجر - و این در صورتی که اگر به بررسی تاریخ ملت یهود پردازید می بینید که آن ها در طول تاریخ اصلا و ابدا یک ملت تاجر نبوده اند.

مراحل آغازین تکوین و پیدایش ملت یهود از کشاورزی بوده است. در دوران باستان ملت یهود یک ملت کشاورز بود و اگر بخواهید یهودیان را با ملت عرب مقایسه کنید (و من عمداً ملت عرب را نمونه می آورم، زیرا می خواهم به صدر اسلام و همان دوران ظهور حضرت محمد برسم) با قاطعیت می توان گفت که اعراب در مجموع یک ملت تاجر بودند.

اسامی مشهوری در میان بازرگانان عمده عرب وجود داشته که بی تردید شماری از ایرانیان از آن آگاهی دارند. آن ها از مکه و مدینه با کاروان های کالا به سوریه و نقاط دیگر میرفته اند. ولی یهودیان، حتی در جزیره العرب نیز بیشتر به کار کشاورزی می پرداختند. یهودیان خیبر یک نمونه از آن هستند.

حالا پرسیده می شود که اگر چنین است، پس چرا ملت یهود بعدها به یک ملت تاجر مشهور شد؟ این امر ارتباط دارد با مقتضیات اجتماعی و حقوقی زندگی جوامع یهودی در کشورهای آن که به آن ها امکان فعالیت کشاورزی و برخی رشته های دیگر اقتصادی داده نمی شد.

از آن جا که موضوع سخن ما بحث درباره روابط تاریخی دو ملت یهود و ایران است، این نکته گفتنی است که وقتی یهودیان در ۲۷۰۰ سال پیش و یا ۲۵۰۰ سال قبل وارد ایران زمین شدند و قصد سکونت در آن جا را داشتند، و در دوران کورش کبیر و خاندان هخامنشی، آن ها در پی یافتن زمین هائی بودند که برای کشاورزی مساعد باشد و آب کافی در آن جا وجود داشته باشد. به سخنی دیگر، یهودیان می خواستند در ایران نیز به کار کشاورزی پردازند.

در کتاب "جغرافیای ابن حوقل" (نگارش محمد أبو القاسم بن حوقل) مطلبی درباره اصفهان آمده است که او به صراحت می نویسد که یهودیان آمدند و دنبال جا می گشتند تا ببینند آیا زمین مرغوبی وجود دارد و آیا آب هست تا بتوانند در همانجا اردو بزنند و به کار پردازند - آن هم به کار کشاورزی. ما متأسفیم، و در واقع تاریخ باید متأسف باشد که اسناد و مدارک کافی در اختیار نداریم که از روی آن ها بتوانیم حدس بزنیم که یهودیان در طول تاریخ و به مرور زمان به چه حرفه هائی می پرداختند.

ولی شخص من تردیدی ندارم که یهودیان با آمدن و مستقر شدن در ایران، روستاها و آبادی های زیادی در آن سرزمین برپا کردند که به مرور زمان حالت یهودی خود را از دست دادند.

زیرا یا آن که ساکنان یهودی ناچار گردیدند مسلمان شوند و یا از آن پس به یهودی امکان و اجازه خرید و نگاهداری زمین داده نشد که بتواند به کار کشاورزی بپردازد.

پژوهشگرانی که درباره زندگی یهودیان در بابل (عراق امروز) به تحقیق و بررسی پرداخته اند، حتم دارند که در آن جا نیز یهودیان ابتدا به کار کشاورزی پرداختند و این می تواند نشان دهد که به احتمال زیاد در ایران نیز در ابتدا وضع چنین بوده است. برقراری محدودیت در مورد کارهایی که به یهودیان اجازه پرداختن به آن ها داده می شد، به مرور زمان گسترش یافت و یهودیان حق مغازه داری نیز نداشتند و راه دیگری برایشان نمی ماند جز آن که به پیله وری دست بزنند و به خرید و فروش اشتغال ورزند. مفهوم این امر آن است که ناچار شدند کشاورزی را کنار گذارند و به کارهایی بپردازند که بتوان در یک محدوده کوچک و با یک سرمایه محقر به آن پرداخت.

از روزی که به یهودیان امکان داده شد به تجارت بپردازند، آن ها در این رشته پیشرفت کردند و کارهای گسترده تری را به عهده گرفتند - همان گونه که در ایران دوران پهلوی، یعنی از هنگام به روی کار آمدن رضاشاه و هنگامی که امنیت بیشتری برقرار شد و امکانات بیشتری در اختیار اقلیت های دینی قرار گرفت و همچنین به خاطر بالا رفتن سطح فرهنگ و آموزش، وضع اقتصادی یهودیان بهتر شد که این خود بازتابی نیز از بهبود وضع اقتصادی ایران بود.

می توان از وضع یهودیان در کشورهای دیگر نیز مثال آورد: در فرانسه، بریتانیا و یا ایالات متحده. در آن جا نیز شما به خوبی می توانید ببینید که وقتی به یهودی امکانات داده شد و ممنوعیت ها برطرف گردید، آن ها ذوق و استعداد و توان خویش را به کار می انداختند و بسیار موفق شدند و توانستند بهترین کارخانه ها را برپا کنند و واقعاً به کارآفرینی برای مردمان دیگر بپردازند و برای جمعیتی بزرگ، نه ده ها هزار، بلکه برای صدها هزار کارگر و کارمند شغل ایجاد کنند.

در ایران نیز به تدریج این زمینه از سوی شماری از سرمایه گذاران یهودی ایجاد می شد که با ابتکارات خود و از طریق برپائی کارخانجات صنعتی در تهران و دیگر شهرها، ایجاد صنایع گوناگون و ایجاد اشتغال و توسعه دادن اقتصاد و گردش پول در ایران توانستند خدماتی به اقتصاد وطن خویش بکنند.

قصه من از گفتن این سخنان، خدای ناکرده آن نیست که بخواهم سهم دیگر هموطنان ایرانی را از هر دینی که باشند در ایجاد صنایع و پیشرفت اقتصاد ایران نادیده بگیرم. آن ها نیز بی تردید به موازات یهودیان فعالیت های اقتصادی ارزشمندی داشته و در افزایش ثروت ملی در ایران نقش سازنده ای ایفاء کرده اند.

ولی سخن ما در این گفت و گو درباره سهم یهودیان در این دستاورد است و سخن از همان یهودیانی است که در گذشته اجازه نمی یافتند که بیشتر از پیله وری به شغل دیگری دست بزنند. تا زمان معینی، حتی به یهودیان اجازه داده نمی شد از چهاردیواری محله خویش خارج شوند و در بیرون از آن محله خانه ای بخرند یا اجاره کنند.

افراد همین قشر از جامعه ایران، از هنگامی که قید و بندها برداشته شد و محدودیت‌ها لغو گردید، توانستند وارد جامعه عمومی ایران شوند و به افراد مفید و سازنده‌ای برای وطن خویش مبدل گردند و در بهبود بنیه اقتصاد کشور نقش داشته باشند.

اگر همان عده سرمایه‌گذار یهودی ایرانی با همان مشکلات و محدودیت‌های پیشین روبرو بودند و نمی‌توانستند فعالیت کنند، بی‌تردید این امر بر اقتصاد ایران نیز تأثیر منفی به جای می‌گذاشت و این خود نشان می‌دهد که یهودیان ایران می‌توانستند نقش سازنده‌ای در پیشرفت اقتصادی زادگاهشان داشته باشند و واقعا نیز چنین نقشی را ایفاء کردند.

تخصص من در امور اقتصادی نیست که بتوانم آمار بدهم و بگویم چه شد یا چه نشد، ولی تصویری که من ارائه کردم امری است که شناخته شده و مسلم است و بحثی در آن نیست. حتی پس از وقوع انقلاب در ایران، که شمار زیادی از یهودیان ناچار به ترک وطن شدند، همان شماری نیز که باقی ماندند، هنوز منشاء اثر مثبتی برای اقتصاد کشور بوده و هستند. این توان و استعداد نباید شگفت‌انگیز باشد زیرا ما می‌بینیم که در کشورهای دیگر نیز یهودیان عوامل مثبت و سازنده‌ای برای اقتصاد آن کشورها هستند.

پرسش - آیا می‌توانید بگوئید که یهودیان در رشته برپائی صنایع مدرن در ایران چه نقشی داشتند؟

پاسخ - یک نمونه از صنعتگران یهودی ایران زننده نام حبیب القانیان بود که حکومت اسلامی ایران او را به یک بهانه واهی به دار آویخت. آن شادروان در دوران پیش از انقلاب از پایه‌گذاران امور صنعتی در ایران بود. او از کوشندگان مهم وارد کردن اقتصاد نوین به بازار ایران و ایجاد کارخانجات و صنایع بود.

خانواده القانیان چندین کارخانه در ایران برپا کردند و توانستند برای هزاران کارگر و کارمند ایرانی ایجاد شغل کنند. آن شادروان پایه‌گذار صنعت آلومینیوم در ایران بود. در صنایع پلاستیک نیز آن‌ها به ابتکاراتی دست زدند و در برخی رشته‌های دیگر صنعتی ایران نیز فعال بودند.

سرمایه‌گذاران یهودی همچنین پایه‌گذار صنعت کارتون سازی در ایران بودند و در رشته نساجی و بافت فرش ماشینی و رشته‌های دیگر نیز کارخانه‌هایی برپا کردند. همچنین یهودیان که برخی از آن‌ها واردکنندگان عمده دارو بودند، به تدریج به فکر افتادند که خودشان داروهای مورد نیاز ایران را در داخل کشور تولید کنند. ولی با آمدن انقلاب اسلامی و جوی که ایجاد گردید و همچنین ضرباتی که بر افراد مرفه وارد آمد و خطراتی که برای یهودیان و رهبران جامعه آنان ایجاد شد، این فعالیت متوقف گردید.

به طور کلی می‌توان گفت که صنعتگران یهودی با ایجاد یک رشته صنایع در ایران، نه تنها برای شماری از کارگران و کارمندان شغل ایجاد کردند، بلکه توانستند در مصرف ارز خارجی کشور نیز از راه آغاز تولیدات داخلی صرفه‌جویی کنند و همچنین با صادرات بخشی از محصولات خود، مقداری هم ارز خارجی به کشور بیاورند.

در رشته بانکداری نیز شماری از یهودیان توانستند لیاقت های خود را ثابت کنند. ولی فعالیت یهودیان در این رشته در دوره رضاشاه به طور نسبی بیشتر بود. با این همه، هر اندازه که بانکداری در ایران بیشتر انسجام می گرفت و بانک های جدید برپا می شد، یهودیان بیشتری برای کارمندی در این بانک ها استخدام می شدند و برخی از آنان حتی به ریاست شعبات مهم بانک ها رسیدند - و این در حالی که تا آن زمان بیشتر یهودیان ایران پيله ور و کاسبکار بودند.

در دوران رضاشاه چند بانکدار یهودی نیز وجود داشتند که البته محدوده فعالیت آن ها نسبتاً کوچک بود. صرافان یهودی در آن دوران و در سال های پس از آن نیز فعال بودند.